

امنیت اقتصادی در پرتو آرای دیوان عدالت اداری

امیر هوشنگ دهقان^۱

روح الله رحیمی^۲

کوروش استوارسنگری^۳

چکیده

هر روز بر حجم مداخله‌گرهای اقتصادی از نظر عدد، صلاحیت و عمق رویه‌ای شبه حقوقی آن افزوده می‌شود. تنها راه تبدیل این شبکه پیچیده نهادی، نظام‌وار کردن آن از طریق دادرسی اداری است که در دو سطح می‌تواند رشد اجتماعی اقتصادی را دامن زند: یکی، در حوزه ترویج ارزش‌های اقتصادی نظام حقوقی و یکی، قلب استانداردهای پیچیده نظریه‌های اقتصادی به ساختارهای حقوقی قابل عمل در حوزه اجتماعی.

امنیت اقتصادی به عنوان شاهراه ارتقای اقتصاد در قلب مفهوم دادرسی اداری می‌تواند ارتقای موجود را دامن زند. هدف از پژوهش حاضر که به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده، دستیابی به این نتیجه است که تأثیر آرای دیوان عدالت اداری در حمایت از شاخص‌های امنیت اقتصادی یا تهدید آن‌ها چیست و چه آسیب‌هایی در آرای دیوان عدالت اداری برای تحقق آن وجود دارد. بررسی رویه دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد ناظر قضایی، شکل‌گیری برخی اصول و قواعد کلی را در خلال رسیدگی به دعاوی این حوزه نشان می‌دهد که عملکرد این دستگاه بر شاخص‌های امنیت اقتصادی تأثیر مستقیم دارد.

در این پژوهش مشخص شد مسائلی هم‌چون نبود رویه‌ای ثابت و هماهنگ برای بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی، نبود نهادهای تخصصی اقتصادی در زیرمجموعه‌های دیوان عدالت اداری، استفاده نکردن از افراد خبره و سلیقه‌ای بودن آرا سبب شده است در بعضی از آرا، امنیت اقتصادی با تهدید روبه‌رو شود.

واژه‌های کلیدی: امنیت اقتصادی، دیوان عدالت اداری، تفسیر، نظارت.

۱. حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)، amir.deh@gmail.com.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، rahimi.mehr48@yahoo.com.

۳. عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد شیراز، kourosh-ostovar_s@yahoo.com.

مقدمه

ایجاد محیط امن و رقابتی در اقتصاد کشور به عنوان دغدغه مشترک هر دو قشر تصمیم‌گیران دولتی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در تمامی شرایط، یکی از مشکلات کشور است. بدیهی است برای رسیدن به این مطلب، ایجاد «زمینه‌ای لازم و نهادهای حقوقی، قضایی، قانونی و زیرساخت‌های اقتصادی کارآمد» به گونه‌ای که آزادی‌های سیاسی و اقتصادی را تضمین کنند و محیطی امن را برای نیل به این مقصود فراهم سازند، در صدر توجه مجریان قرار گرفت. در این راستا، قوه قضاییه و دستگاه‌ها و سازمان‌های آن، نقش دست اول را در ایجاد نهادهای حقوقی و قضایی توانمند بر عهده دارند. یکی از این نهادها که آن را توانمندترین نهاد قوه قضاییه در این عرصه می‌توان دانست، دیوان عدالت اداری با سازوکارهای ویژه خود است.^۱

در این راستا، اگر عملکرد دیوان عدالت اداری را یکی از معیارهای مهم در تضمین امنیت اقتصادی در کشور بدانیم، بررسی آرای دیوان عدالت اداری از نظر تضمین یا تهدید شاخص‌های امنیت اقتصادی جایگاهی ویژه دارد. اهمیت بررسی آرای قضایی در برخورد با اختلافات و اعتراضات ناشی از بحران‌های اقتصادی زمانی تجلی می‌یابد که تأثیر این آرا در تخصیص منابع، آزادی قراردادی، آزادی تجارت، مقابله با انحصار (اعم از دولتی و غیر دولتی) و اصل برابری بررسی و نقش محاکم به عنوان تضمین‌کننده حاکمیت قانون و حق‌های بنیادین واکاوی گردد^۲ و تأثیر آن بر بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی سنجیده شود.^۳

بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ که تأثیری عالم‌گیر داشت، در قالب سیاست حمایت‌گرایی اقتصادی و شکل‌گیری دولت رفاه ظاهر گردید. ابعاد حقوقی این بحران اقتصادی برای تحلیل تطبیقی تأثیر بحران‌های اقتصادی بر عملکرد مراجع قضایی بسیار قابل توجه است.^۴ با بررسی آرای دیوان عدالت

۱. شفیع، محمدصادق، «نقش دیوان عدالت اداری در اجرای سیاست‌های اقتصادی نظام»، پژوهش‌نامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۶.

۲. Xenophon Contiades, *Constitutions in the Global Financial Crisis*, A Comparative Analysis, London: Ashgate Pub, 2013.

۳. بیدار، زهرا، «تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، نشریه حقوق دادگستری، شماره ۱۱۵، ۱۴۰۰.

۴. Eric, Rauchway, *The Great Depression and the New Deal: A Very Short Introduction* New York: OUP, 2008;

Heale, M. J., Franklin D. Roosevelt, *The New Deal and War* London: Routledge, 1999.

اداری در بسیاری از موارد به این مسئله برمی‌خوریم که آیا این آرا برای حمایت از امنیت اقتصادی گام برداشته یا باعث تهدید امنیت اقتصادی شده است.

در این مقاله که از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل، کتاب‌خانه‌ای و توصیفی و تحلیلی است، سؤال اصلی این مطلب را تشکیل می‌دهد که تأثیر آرای دیوان عدالت اداری در حمایت از شاخص‌های امنیت اقتصادی یا تهدید آن‌ها چیست و چه آسیب‌هایی در راستای تحقق آرای دیوان عدالت اداری وجود دارد؟

در این زمینه و با توجه به مطالعات مختلف، پیشینه یکسانی با مقاله موجود یافت نشد و تنها به پژوهش‌های مشابه در این زمینه اشاره می‌شود. زارعی و کمرخانی (۱۴۰۰) در پژوهش «نقد آرای دیوان عدالت اداری در زمینه بحران‌های اقتصادی» این گونه بیان می‌کنند: «دیوان عالی کشور در شرایط بحران اقتصادی، آرای محدودی صادر کرده است، اما از آن جایی که این دیوان در صدور آرای خود به تفسیر غایی قوانین در پرتو رعایت مصالح عمومی و منافع ملی عمل می‌کند، می‌توان آرای دیوان عالی کشور را در شناسایی مفهوم بحران اقتصادی به عنوان یک مسئله حقوقی، پیش‌گامانه توصیف کرد».^۱ حکاک‌زاده و سلامی (۱۴۰۰) در پژوهش «تأثیر آرای دیوان عدالت اداری در جلوگیری از فساد اداری»، مفهوم فساد اداری، علل بروز و آثار آن و تأثیر آرای دیوان عدالت اداری را در پیش‌گیری از آن بررسی کرده‌اند. آن‌گاه ضمن بیان علل فساد اداری، برخی از این دلایل را در ابهام مقررات قوانین و روش‌ها، کیفیت کار نظام دیوان سالاری، سطح دستمزدها در بخش دولتی و نظارت‌های سازمانی می‌توان دید. از این نظر، جایگاه دیوان عدالت اداری را در رسیدگی به شکایات مردم از دستگاه‌های دولتی در پیش‌گیری از مفاسد اداری، برقراری عدالت اداری، احقاق حقوق مردم و امنیت شغلی در نهادهای دولتی بررسی می‌کند. در نهایت، الگوی مبارزه با فساد اداری مبتنی بر راهبردهای مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مدنی بر اساس مبانی نظری و نیز یافته‌های تحقیق ارائه شده است.^۲

۱. زارعی، محمدحسین و ایام کمرخانی، «نقد آرای دیوان عدالت اداری در زمینه بحران‌های اقتصادی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۱، ۱۴۰۰.

۲. حکاک، محمد رضا و محمد رضا سلامی، «تأثیر آرای دیوان عدالت اداری در جلوگیری از فساد اداری»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۲۱، ۱۴۰۰.

توسلی (۱۳۹۹) در پژوهش «بررسی آرای دیوان عدالت اداری در رفع موانع تولید و صدور مجوزها» در پی یافتن رویکرد دیوان عدالت اداری در تحقق سیاست‌های حمایت از تولید و رفع موانع آن است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیوان رویکرد مبتنی بر قانون دارد و در آرای خود علاوه بر صیانت از قانون به تفسیر قضایی قانون و تبیین حدود صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار پرداخته است که این مسئله بیان‌کننده نقش مؤثر رویه قضایی در نظام حقوقی است. در بررسی آرای صادرشده از دیوان، یک رأی از هیئت عمومی نقد شده که به نظر می‌رسد خلاف رویه موجود در دیوان صادر شده است.^۱

کرمی (۱۳۹۷) در پژوهش «بررسی دلایل اخراج کارگر از حیث نابسامانی اقتصادی کارفرما (نقد یکی از آرای دیوان عدالت اداری)» می‌گوید که افزایش کارآیی هر سازمان در گرو وجود یک محیط مناسب کاری به دور از تنش و برخورد بین طرفین کار است. این مهم به انجام نمی‌رسد مگر از طریق یک سیستم مناسب که بتواند روابط بین کارگر و کارفرما را به صورت مطلوب تنظیم کند. حمایت از امنیت شغلی در قوانین ایران فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. با وجود روند تکاملی این مسئله، متأسفانه برخی افراط و تفریط‌ها، راه را بر حفظ حریم امنیت شغلی کارگران ناهموار می‌سازد. یکی از این مسائل، اخراج کارگر به لحاظ وضعیت بد اقتصادی کارفرماست. این مقاله با نقد یکی از آرای دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۰۳۴۵، این موضوع را در حقوق ایران و قوانین مربوط بررسی کرده است.^۲

ایرج (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان» این گونه بیان می‌کند: «دیوان عدالت اداری با توجه به اهمیت بسیار ویژه حقوق مالکانه که در واقع با مهم‌ترین بخش حقوق اشخاص سر و کار دارد و برای این‌که مالکیت خصوصی افراد محترم شمرده شود و در حد نیاز سلب مالکیت صورت گیرد و این امر موجبی برای تجاوز به حقوق دیگران نگردد، در آرای خود به طور صریح یا ضمنی به این امر توجه شده است».^۳

۱. توسلی، زینب، «بررسی آرای دیوان عدالت اداری در رفع موانع تولید و صدور مجوزها»، فصل‌نامه حقوق بشر و شهروندی، شماره ۱، ۱۳۹۹.

۲. کرمی، حامد، «بررسی دلایل اخراج کارگر از حیث نابسامانی اقتصادی کارفرما (نقد یکی از آرای دیوان عدالت اداری)»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ۱۳۹۹.

۳. ایرج، محسن، «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳.

در این زمینه، مسئله اصلی این نکته است که دیوان عدالت اداری نگاهی غیر منسجم به امنیت اقتصادی دارد و پراکندگی در آرای آن سبب شده است در بسیاری از موارد، اقدام‌هایی که با هدف بهبود امنیت اقتصادی صورت گرفته است، به تهدید تبدیل گردد. برای مثال، در نقد انحصار مالکیت دولتی و گسترش رقابت در بازار مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی یا در آرای متنوع دیگری به صورت تلویحی، مؤلفه‌های امنیت اقتصادی را شناسایی کرده است، اما برای ارتقای نهاد دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد ضامن در حق امنیت اقتصادی به برنامه منسجم شامل شناسایی، مطالعه و احیای ظرفیت‌های قانونی نیاز وجود دارد که بر آنیم با بررسی آرا به نقاط تهدید و ارائه راهبردهایی برای حل آن دست پیدا کنیم.

گفتار اول. صلاحیت‌های اقتصادی دیوان عدالت اداری

حقوق و آزادی‌های شهروندی در قانون اساسی توسط نهادهای قضایی را بایستی زایده حقوق عمومی مدرن و اصول برابری در مقابل قانون^۱ و اصل مسئولیت دولت تلقی کرد که سبب شده است برای جلوگیری از سوء استفاده از اقتدارات روزافزون دولت، شهروندان بتوانند حقوق خود را در این باره مطالبه کنند.^۲ از یک طرف، دست‌یابی به قواعد حقوق عمومی اقتصادی از طریق تمسک به منابع و اصول این زیرشاخه از حقوق ممکن است^۳ و از طرف دیگر، معیار و مبنایی برای قضات در فرآیند قضایی است.

دیوان عدالت اداری و تاریخ آن در ایران به عنوان نظام کنترل قضایی بسیار کوتاه‌تر است و مولود انقلاب اسلامی تلقی می‌شود و بی‌تردید باید گفت باب ورود به حقوق عمومی اقتصادی جدید اصولاً با تأسیس‌های نهادی حقوق عمومی حامی حق امنیت اقتصادی متصور است. مراد از صلاحیت‌های اقتصادی دیوان

۱. تروپه، میشل، «منطق حاکم بر توجیه صیانت از قانون اساسی»، ترجمه: محمدرضا ویزه و عباس علی کدخدایی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، ۱۳۸۳.

2. Gagik Harutyunyan, Angelika Nussberger, Peter Paczolay, "Study On Individual Access To Constitutional Justice", Council Of Europe. European Commission For Democracy Through Law Venice Commission, 2012.

3. Talapina, Elvira, Contribution à la théorie du droit public économique par l'analyse comparative du droit français et du droit russe, Université de la Réunion, Organisme de soutenance, École doctorale Lettres et sciences humaines, Droit économie gestion, Sciences politiques (Saint-Denis, La Réunion), Ecole doctorale associée à la these, 2011.

عدالت اداری، صلاحیت مبتنی بر ابطال تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها، بخش نامه و نظامات اقتصادی دولت و رسیدگی به اعتراض و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی نسبت به تصمیمات اقتصادی دولت است که مغایر قوانین محسوب می‌شوند. در این قالب، دیوان به عنوان مرجع عام رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات و مصوبات واحدهای دولتی و مأموران آن‌ها شناخته شده که قانون دیوان، این واحدها را برشمرده است؛ وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها، تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها. رسیدگی دیوان در این بخش، «منصرف به تصمیمات و اقداماتی است که واحدهای فوق‌الذکر و یا مأمورین آن‌ها با توجه به اختیارات و وظایف قانونی که دارا بوده و نوعاً خاص آن‌ها می‌باشد، برخلاف قانون یا خارج از صلاحیت خود یا با تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات خویش انجام داده‌اند و از این بابت حقوقی تضییع شده باشد».^۱

گفتار دوم. امنیت اقتصادی و صلاحیت دیوان عدالت اداری

با توجه به نظریه‌های بیش‌تر اندیشمندان، صیانت از قانون اساسی و تلاش برای تضمین اجرای آن از مهم‌ترین کارکردهای حقوق اساسی در سال‌های اخیر بوده است.^۲ در این راستا، ضمانت‌های موجود در قانون اساسی و با هدف تضمین قضایی حقوق شهروندان از مسائلی است که تمامی حاکمیت‌ها به دنبال اجرای آن هستند.^۳ در این زمینه، امنیت اقتصادی، یکی از بنیادی‌ترین حقوق شهروندی تلقی می‌شود. کنترل حقوق و آزادی‌های شهروندی مندرج در قانون اساسی توسط نهادهای قضایی را بایستی زایده حقوق عمومی مدرن و اصول برابری در مقابل قانون و اصل مسئولیت دولت تلقی کرد که سبب شده است برای جلوگیری از سوء استفاده از اقتدارات روزافزون دولت، شهروندان بتوانند حقوق خود را در این باره مطالبه کنند.^۴

در این زمینه، دیوان عدالت اداری به عنوان نهادی تازه تأسیس در ایفای حقوق امنیت اقتصادی نقش مهمی دارد و عملکرد آن، نمودی از حمایت یا تهدید امنیت اقتصادی محسوب می‌شود.^۵

۱. شفیعی، پیشین.

۲. تروپه، پیشین.

۳. ویژه، محمدرضا، «تأمیلی بر سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه راهبرد، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.

۴. صدرالحفاظی، سید نصرالله، «دیوان عدالت اداری و فلسفه تأسیس آن»، حقوقی دادگستری، شماره ۲، ۱۳۷۰.

۵. نوروزی، قدرت‌الله، «نقش دیوان عدالت اداری در توسعه و حمایت از حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۵، ۱۳۸۹.

کنترل و نظارت قضایی دیوان در دو سطح نوعی و شخصی بر تصمیمات و اقدامات مقامات اداری صورت می‌گیرد و مطابقت این تصمیمات و اقدامات را در مورد امنیت اقتصادی در قانون اساسی، قانون عادی و آنچه در حکم قانون است، بررسی می‌کند.^۱

دیوان در سطح هیئت عمومی، تصمیمات نوعی و صلاحیت‌های تقنینی عام مقامات اداری را در خصوص مقررات اجرایی منافی امنیت اقتصادی بررسی می‌کند. دیوان از طریق هیئت عمومی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و دیگر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیر دولتی در مواردی رسیدگی خواهد کرد که این مقررات به علت مغایرت با شرع یا قانون یا صلاحیت نداشتن مرجع مربوط به تجاوز و سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی بیانجامد که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.^۲ هم‌چنین در سطح شعب خود به تصمیمات مقام اداری در خصوص افراد رسیدگی می‌کند. افزون بر آن، تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی، تصمیمات و اقدامات مأموران این واحدها، تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها را منحصرأً از نظر نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها^۳ که مخالف با امنیت اقتصادی هستند، بررسی می‌کند.

گفتار سوم. امنیت اقتصادی و نظارت دیوان عدالت اداری

انواع نظارت دیوان بر امنیت اقتصادی و مسائل مربوط به آن در عملکرد دیوان عدالت اداری در حمایت از امنیت اقتصادی نقش مهمی دارد که آن را در پنج زمینه بررسی می‌کنیم:

۱. نظارت از نظر تجاوز نکردن مأمورین به خدمات اداری عمومی از حدود صلاحیت‌های ذاتی، محلی و شخصی
۲. نظارت از نظر اطمینان‌یابی از سوء استفاده نکردن مأمورین از قدرت

۱. فلاح‌زاده، علی محمد، «جایگاه دیوان عدالت اداری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۶.

۲. قانون دیوان عدالت اداری، ماده ۱۲، بند یکم

۳. قانون دیوان عدالت اداری، ماده ۱۰، بند یکم، الف و ب، بند دوم.

۳. نظارت از نظر اطمینان یابی از رعایت تشریفات به لحاظ قواعد شکلی

۴. نظارت از نظر مغایرت تصمیمات اداری با قانون

۵. نظارت بر تصمیمات قطعی شوراهای حل اختلاف کارگری، کمیسیون های مالیاتی، کمیسیون های موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها، کمیسیون های موضوع ماده ۶۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و منابع طبیعی^۱.

با بررسی این موارد می توان دریافت که وظیفه اصلی دیوان عدالت اداری در تضمین امنیت اقتصادی در جامعه، تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی اشخاص نسبت به واقعیت های جامعه و عملکرد دستگاه های حاکمیت است.^۱

گفتار چهارم. آسیب شناسی تفسیر دیوان عدالت اداری از امنیت اقتصادی

برای رسیدن به این مهم که چرا بسیاری از آرای صادر شده از سوی دیوان عدالت اداری به جای حمایت از امنیت اقتصادی در نقطه مقابل یعنی تهدید قرار دارد، باید دانست روش تفسیر، تطبیق و کنترل دیوان عدالت اداری فاقد زیرمجموعه نهادی برای تحلیل اقتصادی از مفاهیم امنیت اقتصادی است. دیوان عدالت اداری با توجه به ساختار حاکمیتی خود به راحتی توانایی رفع این مشکل را دارد، ولی در حال حاضر و با بررسی آرای این نهاد مشخص است که بسیاری از آرای اقتصادی دیوان بدون پشتوانه تحلیل اقتصادی صادر می گردد.

گفتار پنجم. آسیب شناسی آرای دیوان عدالت اداری برای تحقق امنیت اقتصادی

یافته های اقتصادی، رابطه معنادار بین نظارت دادرسی اداری و افزایش ضریب امنیت اقتصادی به عنوان عامل گسترش رشد اقتصادی را نشان می دهد. این مهم به این معناست که عملکرد دیوان عدالت اداری به صورت مستقیم بر امنیت اقتصادی اثر می گذارد.

بند اول. رأی شماره ۸۸۱ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال ماده ۱۷ دستورالعمل نحوه صدور گواهی فعالیت نمایندگان توزیع کنندگان، دفاتر

۱. رفیعی علوی، سید احسان، «حق امنیت اقتصادی در حقوق عمومی؛ بررسی رویه شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.

و شعب شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده کالاهای سرمایه‌ای در ایران مصوب ۱۸/۶/۱۳۹۵ وزیر صنعت، معدن و تجارت

مطابق ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر شده است همه عرضه‌کنندگان اعم از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاهای سرمایه‌ای از جمله خودرو (سنگین یا سبک)، ماشین‌آلات صنعتی، کشاورزی، راه‌سازی، لوازم خانگی، مصنوعات الکتریکی و الکترونیکی، صوتی، تصویری و وسایل ارتباطی به داشتن نمایندگی رسمی و تعمیرگاه مجاز، تأمین قطعات یدکی و ارائه سرویس و خدمات بعد از فروش مکلف باشند. نمایندگی رسمی مصرّح در این ماده قانونی اطلاق دارد و شامل دارندگان نمایندگی رسمی مستقیم و نمایندگی رسمی با واسطه است. در حکم مقرر در ماده ۱۷ دستورالعمل نحوه صدور گواهی فعالیت نمایندگان، توزیع‌کنندگان، دفاتر و شعب شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده کالاهای سرمایه‌ای در ایران مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۸ وزیر صنعت، معدن و تجارت مقرر شده است دارندگان گواهی فعالیت که دارای قرارداد با شرکت‌های واسطه، مکلفند ظرف مدت ۳ ماه نسبت به تطبیق شرایط و مدارک خود با مفاد این دستورالعمل اقدام کنند. در غیر این صورت، گواهی فعالیت صادر شده قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد شد؛ چون حقوق دارندگان نمایندگی رسمی با واسطه را تضییع می‌کند و مغایر اطلاق ماده ۴ قانون صدرالذکر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

در تحلیل این رأی باید گفت که ضرورت نظارت بر فعالیت بیگانگان در ایران و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از طریق ارائه خدمات پس از فروش موجب تصویب قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی در سال ۱۳۷۶ و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۸ گردید. به موجب ماده ۴ این قانون، فعالیت واردکنندگان و فروشندگان کالاهای بادوام خارجی در ایران به داشتن نمایندگی رسمی و تعمیرگاه مجاز، تأمین قطعات یدکی و ارائه سرویس و خدمات بعد از فروش طبق دستورالعمل‌های موضوع مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان وابسته شده و وزارت صنعت، معدن و تجارت، مرجع صدور گواهی‌نامه نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران اعلام گردیده است.^۱

۱. مؤذنی، روح‌الله، حقوق عمومی اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، تهران: مجد، ۱۳۹۳.

تفسیر لفظی دیوان، حافظ حق مکتسبه دارندگان گواهی نمایندگی خارجی غیر مستقیم و اصل آزادی نهاد‌های تجاری و مانع از تحمیل هزینه‌های ناشی از تغییر ناگهانی سیاست‌های اقتصادی دولت بر فعالان اقتصادی بخش خصوصی است. با این حال، این مزایا نباید موجب غفلت از شرایط زمان تصویب مقررات دولتی شود. کارآیی دولت در حفظ مصالح و منافع عمومی به میزان قابل توجهی به سرعت عمل در پیش‌بینی و مقابله با بحران‌های اجتماعی اعم از بحران‌های اقتصادی ارتباط دارد و اگر راهکارهایی برای آن اندیشیده نشود، بدون شک، امنیت اقتصادی به خطر می‌افتد.

بند دوم. رأی شماره ۱۸۶ مورخ ۱۳۷۱/۸/۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد ابطال بند ۹ مصوبه شماره ۱۶۴ مورخ ۶۹/۸/۶ کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در مورد تراکم و استفاده از اراضی اشخاص برابر تأسیسات عمومی

به موجب ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، وظیفه مسئولیت قانونی کمیسیون موضوع این ماده، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری است. پس اولاً وضع قاعده خاصی مبنی بر کسر املاک متقاضیان تفکیک و افراز از تراکم محدوده عمل تحت عنوان سرانه خدمات شهری و شهرسازی از مقوله تصویب طرح‌های تفصیلی و امور مربوط به آن به شمار نمی‌رود و حسب مقررات، این کمیسیون اجازه و اختیاری در این باب ندارد. ثانیاً استفاده از املاک اشخاص به منظور تأمین نیازمندی‌ها و تأسیسات عمومی شهری به حکم قوانین موضوعه باید از طریق خرید و تملک آن‌ها صورت گیرد. بنا بر این، مفاد بند ۹ مصوبه شماره ۱۶۴ کمیسیون ماده ۵ مبنی بر موکول کردن موافقت با تقاضای تفکیک و افراز اراضی و املاک اشخاص به کسر کردن تراکم یا اختصاص و منظور داشتن درصدی از املاک دیگران تحت عنوان سرانه خدمات شهری و شهرسازی خارج از حدود اختیارات قانونی کمیسیون یادشده و خلاف قوانین موضوعه در باب اعتبار اصل مالکیت مشروع و آثار مترتب بر آن تشخیص داده می‌شود و ابطال می‌گردد.

در تحلیل رأی باید گفت که دیوان معتقد است حمایت از حق مالکیت، مقدم و اصل در حق مالکیت است و وضع قاعده استثنایی بر مالکیت محسوب می‌شود. این حالت، نوعی حمایت از حقوق مالکیت نزد دیوان محسوب می‌شود. دیوان معتقد است که اصل اولی و مقدم، انتقالی بودن مالکیت است و انتقال مالکیت به غیر از دلیل اصلی قانونی، حالت استثنایی دارد و حتی استناد به

نیاز عمومی نیز نمی‌تواند سبب محدودیت شود. دیوان معتقد است که از مالکیت مشروع، اصولی گسترده منتزع می‌شود که در هر مورد می‌توان آن را بازشناسی کرد. گسترش این حقوق می‌تواند به ارتقای حقوق عمومی مالکیت و رشد پایدار اقتصادی کمک کند.

در این رأی، گسترش حقوق مالکانه تنها در حوزه معنایی مالکیت است و فایده اقتصادی و ارتقای امنیت اقتصادی را به دنبال نخواهد داشت. در حقیقت، گسترش حقوق مالکیت به عنوان مؤلفه امنیت اقتصادی تنها با شناسایی و توسعه مفهومی مؤثر نخواهد بود، بلکه نیاز اصلی برای ترویج این حقوق، تضمینات حقوقی است. حمایت از این توسعه با محور تأمین خسارت، ابطال تصمیمات اداری نوعی و فردی و اعاده به وضع حقوقی سابق همه مواردی از تضمینات حقوقی است که در دادرسی اداری از آن استفاده شده است.

بند سوم. رأی شماره ۶۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲، ابطال بند ۱۲ بخش نامه ۱۴۹ درآمد سازمان تأمین اجتماعی

شاکی در دادخواست تقدیمی و لایحه تکمیلی آن اعلام داشته است که در بند ۱۲ بخش نامه ۱۴۹ درآمد سازمان تأمین اجتماعی این مطلب قید شده است که آن دسته از نهادها، وزارت خانه‌ها و سازمان‌هایی که کارکنان آن‌ها مشمول قانون حمایتی خاص غیر از تأمین اجتماعی هستند، اگر با دیگر مؤسسات، وزارت خانه‌ها و سازمان‌ها برای انجام کار به صورت پیمانکاری قرارداد ببندند و این ارگان‌ها گواهی کنند که کار موضوع قرارداد منحصراً توسط پرسنل رسمی آن‌ها که مشمول قانون حمایتی خاص هستند، انجام گرفته است، لزومی به محاسبه و وصول حق بیمه قراردادهای آن‌ها بر اساس تصویب نامه یادشده نخواهد بود.

این گونه تبعیض موجب خواهد شد که در موارد مشابه، شرکت‌هایی از قبیل این شرکت وقتی در مناقصه‌ها حضور می‌یابند، با پیش‌بینی حق بیمه در قانون موجود، قیمتی برای بیمه‌ای اجتماعی پیشنهاد کنند، ولی سازمان‌های دولتی که از پرداخت حق بیمه معافند، طبیعتاً قیمت کم‌تری پیشنهاد می‌کنند. این امر نیز نتیجه‌ای جز شکست شرکت‌های خصوصی و خروج از مناقصه نخواهد داشت و در عمل، دولت و سازمان‌های دولتی به عنوان کارفرما و پیمانکار وارد بازار کار می‌شوند و دیگر افراد حقیقی و حقوقی از انجام فعالیت سالم و کسب معاش بازخواهند ماند.

با عنایت به بندهای ۲ و ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی و با استفاده از وحدت ملاک اصل ۴۸ قانون اساسی که بر رفع تبعیض تأکید کرده و با توجه به این که در ماده ۳۸ و ۴۱ قانون تأمین اجتماعی فقط به مسئله پیمانکاران اشاره شده و تفاوتی بین پیمانکاران دولتی و خصوصی قرار نداده است، باید گفت مستثنا کردن پیمانکاران دولتی از پرداخت بیمه، تبعیضی روشن و نارواست که باعث محرومیت پیمانکاران خصوصی از رقابت سالم در مناقصات می گردد. پس ابطال بند ۱۲ بخش نامه ۱۴۹ درآمد سازمان تأمین اجتماعی تقاضا شده است.

دیوان در رأی خود اعلام داشته است که با عنایت به ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی و تبصره های آن، مستخدمین رسمی دولت اعم از کشوری و لشکری که تابع مقررات استخدامی خاص هستند، علی الاطلاق از شمول قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و اصلاحات بعدی آن مستثنی گردیده اند. بنابراین، بند ۱۲ بخش نامه شماره ۱۴۹ درآمد سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر عدم لزوم محاسبات و وصول حق بیمه قراردادهای پیمانکاری تنظیمی آنان با رعایت شرایط مندرج در بند یادشده با قانون مغایرت ندارد.

در تحلیل این رأی باید گفت که دیوان به عبور از رسیدگی شکلی به قوانین و مقررات علاقه چندانی ندارد. فارغ از این موضوع، در خصوص رقابت پذیری نیز دیوان به عنوان یک منبع حقوقی به قانون اساسی چندان توجه نکرده است. از این رو، تصمیم دیوان در این زمینه، سرمایه گذاری و امنیت اقتصادی بخش خصوصی را به خطر انداخته است.

بند چهارم. رأی شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۴ بخش نامه محرمانه شماره ص م ۶۶۸۴ - مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۳ وزارت صنعت، معدن و تجارت

الف) با توجه به این که قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۸۹۴ ۱۳۹۳/۳/۱۰ اعلام کرده است که مقرر مورد اعتراض توسط فقهای شورای نگهبان خلاف شرع شناخته نشده است، بنابراین، در اجرای حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون دیوان عدالت اداری، بند ۴ بخش نامه مورد اعتراض با ادعای مغایرت با شرع مقدس اسلام قابل ابطال تشخیص داده نمی شود.

ب) مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن، مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود. با توجه به مراتب، تعیین جرم از وظایف قانون‌گذار است و نظر به این‌که در بند ۴ بخش‌نامه شماره ۶۶۸۴/م/ص. ۱۳۹۰/۱۱/۲۳، وزیر صنعت، معدن و تجارت مقرر شده است: «هر گونه تغییر در بازار که در سامانه قیمت‌های سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان www.124.ir ثبت نشده باشد (بدون هماهنگی با سازمان‌های استانی و سازمان حمایت) به منزله گران‌فروشی تلقی شده...»، از این حیث که جرم گران‌فروشی در ماده ۲ قانون تعزیرات حکومتی تعیین و تعریف شده است، لیکن در مقرر بند ۴ بخش‌نامه معترض به نیز از سوی وزیر صنعت، معدن و تجارت به عنوان گران‌فروشی جرم‌انگاری شده است و جرم‌انگاری مطابق قوانین صدرالذکر در حیطه وظایف مقنن است. بنابراین، بند ۴ بخش‌نامه مورد اعتراض به لحاظ این‌که از حدود اختیارات وزیر صنعت، معدن و تجارت خارج است، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

در تحلیل این رأی می‌توان گفت دیوان عدالت اداری در این خصوص بدون این‌که وضع مقرر محرمانه با موضوع جرم‌انگاری فعالیت‌های اقتصادی را نقض اصل صراحت و شفافیت قوانین و مقررات صنعت، معدن و تجارت بداند، نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.

هم‌چنین رویه و صلاحیت دیوان عدالت اداری در خصوص تعیین مرجع قیمت‌گذاری و پیش از آن، مرجع تشخیص بازار انحصاری که الزاماً باید تحت قواعد قیمت‌گذاری تدبیر گردد، قابل چالش است. برای مثال، دیوان به موجب رأی شماره ۹۳۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱ در خصوص این‌که آیا بازار محصولات پتروشیمی انحصاری و در نتیجه، مشمول قیمت‌گذاری است، اختیار نهادی و قانونی شورای رقابت در تعیین بازارهای انحصاری طبق بندهای ۳ و ۵ ماده ۵۸ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را نادیده گرفته است و صرفاً به استناد این‌که در بند (د) ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، دولت مکلف شده است ضوابط تعیین کالاهای اساسی، انحصاری و خدمات عمومی و نیز فهرست و ضوابط تعیین قیمت این کالاها و خدمات را به تصویب شورای اقتصاد برساند، اقدام شورای رقابت در اعلام انحصاری بودن بازار پتروشیمی را فاقد وجاهت قانونی می‌داند. این در حالی است که طبق ماده ۹۲ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مادام که در قوانین بعدی نسخ یا اصلاح

مواد و مقررات این قانون صریحاً و با ذکر نام این قانون و ماده مورد نظر قید نشود، احکام این قانون معتبر خواهد بود.^۱

بند پنجم. رأی شماره ۱ مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۹ ابطال مصوبه شماره ۱۶/۷۶۰/۱۹۰۱ مورخ

۱۳۸۲/۴/۲۴ شورای عالی اداری

شاکی به شرح شکایت نامه تقدیمی اعلام داشته اند به پیوست مصوبه شورای عالی اداری در زمینه تأسیس شرکت های مخابراتی سیار و دیتا و واگذاری ۵۱ درصد سهام شرکت های سیار و دیتا و ۲۸ استان به بخش خصوصی جهت بررسی و اقدام لازم تقدیم می گردد. یادآوری می شود:

الف) اقدام یادشده خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است.

ب) خلاف قانون برنامه سوم و ماده یک آن در زمینه اختیارات شورای عالی اداری است.

رأی دیوان اعلام می دارد: قانون گذار به شرح ماده یک قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹، ضرورت تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، سازمان دهی و ساختار امور کشور و افزایش بهره وری و سایر امور مرتبط با اهداف مزبور از جمله کاهش تصدی های دولت را مورد تأکید قرار داده... و واگذاری بخشی از اعمال تصدی دولت در وزارت پست و تلگراف و تلفن به بخش خصوصی که فی نفسه متضمن نفی نظارت و کنترل و حق حاکمیت دولت در بخش اقتصادی مقرر در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم چنین مفهوم عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط در امر واگذاری اعمال تصدی مندرج در مصوبه مذکور نیست، مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات شورای عالی اداری در تصویب مصوبه فوق الذکر نمی باشد و موردی برای ابطال مصوبه مزبور وجود ندارد.

در تحلیل رأی باید گفت که این رأی قبل از فراگیری سیاست های خصوصی سازی در کشور صادر شده و از این نظر که دیوان معتقد است اهداف اقتصادی مضبوط در قانون می تواند سبب صلاحیت تأسیس ساختار حقوقی توسط قوه مجریه گردد، اهمیت بالایی دارد. دیوان معتقد است

۱. رهبری، ابراهیم، «نقدی بر نحوه مداخله دیوان عدالت اداری در تصمیمات قطعی شورای رقابت»، فصل نامه رأی، دوره ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۶.

که در خصوص اصل ۴۴ اگر فعالیت اقتصادی در صدر اصل ۴۴ و موضوع این اصل باشد، اما جزء اعمال تصدی‌گرانه اقتصادی باشد، می‌تواند به اقتضای برخی اهداف اقتصادی قانونی مانند مواد قانونی که استناد شده است، مورد خصوصی‌سازی قرار گیرد و با مدیریت خصوصی اداره شود. توجه به مسئله حاکمیت و تصدی پیش از سیاست‌های اقتصادی کلی را می‌توان نوعی ارتقا تلقی کرد. برخی آرای اقتصادی نیز این مهم را تأیید می‌کند.^۱

اکنون و به صورت رایج، نظریه‌هایی که به شکل فعالیت دولت می‌پرداختند، مانند اعمال حاکمیت و تصدی منسوخ شده است و دادرس اداری برای تشخیص وظیفه دولت به نظریه‌هایی که ماهیت فعالیت اقتصادی را بررسی می‌کنند، مانند نظریه منفعت عمومی و خدمات اداری می‌پردازد. در این نظریه‌ها، دادرس اداری می‌کوشد نشان دهد که فارغ از شکل و مدل فعالیت اقتصادی، ماهیت عمل اقتصادی منطبق با ارزش‌های قانون اساسی و نظریه اقتصادی آن است یا خیر؟ و چون ماهیت آن، اقتصادی است، دادرس اداری به تحلیل اقتصادی در نظریه‌های یادشده نیازمند است.

بند ششم. رأی شماره ۷۴ و ۷۵ مورخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ درباره ابطال بند ۲۷ مجموعه بخش‌نامه‌های ثبتی

انعقاد عقد وکالت به منظور انجام معاملات و قراردادها در حدود مقررات فصل سیزدهم قانون مدنی در مبحث وکالت با قوانین و مقررات موضوعه و نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالفتی ندارد. بند ۷۷ بخش‌نامه‌های ثبتی که متضمن منع سردفتر اسناد رسمی از ثبت وکالت‌نامه‌ای است که مدلولاً انتقال ملک غیر منقول یا وسایط نقلیه به وکیل یا شخص ثالث یا متضمن معاوضه ملک یا اعیانی تلقی شود، مغایر ماده ۳۰ یادشده تشخیص داده می‌شود و ابطال می‌گردد.

در تحلیل این رأی باید دانست که یکی از اهداف اقتصادی، ترویج تسهیل مبادلات اقتصادی و کاهش هزینه‌های انتقالی است. دیوان در این راستا معتقد است که تحدید آزادی‌های عمومی بدون وجود

۱. صادقی شاهدانی، مهدی، کامران ندری و وهاب قلیچ، «اثرات نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL (مطالعه موردی ایران)»، اقتصاد مقداری، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۸۸.

۲. مجموعه بخش‌نامه‌های ثبتی، بند ۷۷: سردفتران اسناد رسمی از ثبت وکالت‌نامه‌ای که مدلولاً انتقال ملک غیر منقول یا وسایط نقلیه به وکیل یا شخص ثابت و با متضمن معاوضه ملک یا اعیانی تلقی می‌شود، خودداری نمایند.

یک عنصر مبیحه خلاف قانون است. در حقیقت، دادرس اداری از تسهیل مشروع قراردادی حمایت می‌کند و اعمال محدودیت‌ها در این زمینه را تنها با وجود عواملی مفید می‌پذیرد.

از طرفی، مقامات اداری می‌توانند یکی در حوزه صلاحیت ذاتی از باب نظم عمومی و یکی در حوزه آیین‌نامه‌های قانونی، برخی محدودیت‌های تفویضی را برای مالکیت ترسیم کنند. دیوان در این خصوص معتقد است که نه تنها مبانی قانونی چنین آیین‌نامه‌هایی باید کامل باشد، بلکه بایستی در کنار آن با قوانین و مقررات مربوط تعارض نداشته باشد، در قالب نظم عمومی حوزه صلاحیتی مقام اداری قابل تأیید باشد و با مبانی اخلاق حسنه در جامعه منطبق باشد.

دیوان معتقد است که ارزیابی این عوامل از اقتدارات صلاحیت اوست و بر اساس صلاحیت حقوق دادرس اداری، دیوان می‌تواند این ارزیابی را انجام دهد. پس می‌توان گفت دیوان معتقد است ارزیابی این‌که مقام اداری از صلاحیت آیین‌نامه‌ای تجاوز نکرده، متوقف به بررسی ماهیتی این عناصر است.

بند هفتم. ابطال بند یک صورت جلسه مورخه ۸۸/۳/۱۲ کمیسیون نظارت استان تهران عطف

به نامه‌های شماره ۴۱۵/۱۰۰/۶۹۹۷۳ مورخ ۱۳۹۰/۶/۸ و شماره ۴۱۵/۱۰۰/۵۱۵۳۶ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲

شاکی در دادخواست تقدیمی اعلام کرده است بند یک صورت جلسه کمیسیون نظارت استان تهران برای ده اتحادیه، حدود صنفی تعیین کرده که به این دلایل قابل ابطال است:

۱. قانون حدود صنفی مربوط به قانون سابق می‌باشد که پس از پیروزی انقلاب قابلیت اجرا و اعمال ندارد.

۲. طبق اصل ۲۸ قانون اساسی، هر کس حق دارد شغل مورد تمایل و علاقه خود را در صورتی که مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد، انتخاب نماید که تعیین حدود صنفی برای مشاغل ایجاد محدودیت می‌کند. لذا مخالف اصل مذکور است.

۳. حدود صنفی غیر شرعی است؛ چون امکان رقابت را از عرضه‌کنندگان می‌گیرد و امکان اجحاف و گران‌فروشی را فراهم می‌کند و به ضرر مردم است.

۴. کمیسیون نظارت نمی‌تواند قانون و مصوبه غیر شرعی وضع نماید.

۵. کارگروه کارشناس تعیین حدود صنفی برای اتحادیه و صنف مربوط به خود و ایجاد بازار انحصاری و رانت، حدود صنفی تعیین نموده‌اند.

۶. در اقتصاد امروز، عرضه کالا به صورت تخصصی و در کنار یکدیگر، رقابت سالم را به وجود می‌آورد که به نفع خریداران است. مضافاً این‌که این مصوبه برای انتخاب، خسارت‌های سنگینی را موجب شده است که تقاضای ابطال آن را دارم.

کمیسیون اعلام کرد: «نظر به این‌که مطابق ماده ۳۴ قانون نظام صنفی مصوب تیرماه ۱۳۵۹ و بند الف ماده ۵۵ قانون نظام صنفی کل کشور مصوب اسفندماه ۱۳۸۲، تشخیص ضرورت و برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها از وظایف و اختیارات هیئت عالی نظارت بوده و هیئت یادشده نیز حدود صنفی را تصویب و طی دستورالعملی جهت اجرا به کمیسیون‌های نظارت سراسر کشور ابلاغ نموده است، لذا صورت جلسه مورد شکایت، خلاف شرع و قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب نبوده است».

باید گفت که کمیسیون تشخیص، انحصار را در مسئله مطرح شده به قوانین شکلی محدود ساخته و از ورود ماهیتی به تشکیل انحصار در مشاغل یادشده پرهیز کرده است. شورای نگهبان در پاسخ به نظارت شرعی بر همین پرونده نیز اعلام کرد که این آیین‌نامه غیر شرعی نیست. این در حالی است که شورا بارها در رویه خود، غیر شرعی بودن انحصار را تأیید کرده بود و کمیسیون‌های تخصصی نیز در این خصوص اظهار نظر شرعی کرده بودند.

از طرفی، دادرسی اداری حق بر اشتغال را به عنوان یکی از حقوق جهانی بشر شناخته است و دادرسان اداری این حق را از حقوق اساسی دانسته‌اند. دادگاه اداری پاریس در رأی جنجالی با وجود استدلال‌های متعدد مخالف، این حقوق اساسی را برای شهروندان تضمین کرد. پای استدلال‌های اقتصادی انتخاب آزاد نیز به دادرسی اداری برای بازشناسی موارد محدودیت‌های مشروع از مصادیق انحصار باز شده است و کارآفرینان بسیاری توانسته‌اند محدودیت‌هایی را که برای اشتغال وجود داشته است، با نظر مثبت دادرس اداری برطرف کنند.^۱

۱. رفیعی، پیشین.

بند هشتم. نظر شماره ۴۸/۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۱ بر برخورداری بودن دیوان عدالت اداری از صلاحیت رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای و تصمیمات قطعی شورای رقابت

حسب نظر رئیس دیوان عدالت اداری، کمیسیون مشورتی در مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۱، موضوع قابلیت اعتراض به آرای قطعی شورای رقابت را در دستور جلسه قرار داد که پس از بررسی، نظر کمیسیون به این شرح است: «به موجب بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، دیوان از صلاحیت رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها برخوردار است و مراجع شمرده شده در بند مذکور جنبه احصایی ندارد. از این رو، شورای رقابت نیز با توجه به ترکیب آن که در بند الف ماده ۵۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی آمده، یک مرجع اختصاصی اداری به شمار می‌آید، تصمیمات این مرجع که به موجب ماده ۶۳ قانون مزبور قطعی گردیده، تابع قاعده عام مذکور در اصل ۱۷۳ قانون اساسی و بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری بوده و در نتیجه، قابل شکایت در دیوان است».

باید دانست رویکرد دیوان در این نظر ناظر به گسترش حمایت از مالکیت با گسترش دامنه دستگاه‌ها و نهادهای مورد نظارت است. بر اساس این اصل، دیوان معتقد است که استفاده‌کنندگان از صلاحیت‌های حقوق اداری از نظارت دیوان خارج نیستند.

بند نهم. دادنامه مورخ ۹۳/۱۰/۲۳ در مورد الزام واحد دولتی به احتساب حق بیمه ایام اشتغال

موضوع پرونده، شکایت بازمانده کارگر متوفی از سازمان تأمین اجتماعی شعبه تهران با موضوعیت الزام طرف شکایت به احتساب حق بیمه ایام اشتغال، نظر به ماده ۱۴۸ قانون کار طی دادنامه مورخ ۹۳/۱۰/۲۳ هیئت حل اختلاف است. این رأی با توجه به سرپرست بودن کارگر متوفی و ایجاد مشکلات معیشتی برای بازماندگان و همچنین حفظ منافع سازمان تأمین اجتماعی و جلوگیری از ایجاد رویه عمومی برای بی‌توجهی و خروج کارفرمایان از مسئولیت ذاتی خود و تحمیل نشدن به سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یک سازمان دولتی که می‌باید با حفظ و تقویت منابع مالی، حمایت‌های گسترده‌ای برای جامعه هدف مطالبه‌گر داشته باشد، حایز اهمیت است.

در تحلیل این رأی به نقاط مثبت و منفی فراوانی برمی‌خوریم. با توجه به میزان اثر رأی در ایجاد منافع برای شاکی به عنوان یکی از اقشار حمایت‌پذیر جامعه، استناد به قانون کار و استنباط به نفع حمایت از کارگر در ثبات قانون کار و افزایش چتر حمایتی از کارگر به عنوان فلسفه وجودی حقوق کار در رأی دیوان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت، این وجه از رأی نشانگر این است که قضات به مبانی و محتوا و اهداف حقوق کار واقف بوده‌اند.

از طرفی، اشاره مبسوط و متعدد به مستندات رأی از جمله استناد قانونی به ثبت احراز سابقه بیمه‌شده توسط اداره کار، مواد قانونی و آرای صادرشده قبلی، برای وضوح بهتر در فهم رأی از جمله نقاط قوت آن است. قضات محترم در دادنامه سعی داشته‌اند ابتدا به موضوع (دیکتوم) بپردازند. در این قسمت، مسائل و وقایع (فکت‌ها) ذکر شده است. در مورد مسائل ورای رأی (اوپنتر دیکتوم) نظیر مسائل مرتبط با پیشینه بحث و آرای نیز دیوان به رأی صادرشده از مراجع قضایی توجه داشته که از نقاط مثبت رأی است. با این وجود، در مقام نقد، نقاط ضعف و اشکالاتی نیز قابل طرح است از جمله این‌که در برخی استدلال‌ها و استنادات بیان‌شده، اجمال بیش از حد وجود دارد. (در واقع، تعدد استناد، مزیت است، ولی اجمال بیش از حد، اشکال رأی است). برای نمونه، رأی ابتدا با استناد به ماده ۱۴۸ قانون کار ۱۳۶۹ از الزام کارفرمایان به بیمه کردن کارگران خود سخن گفته است. ماده ۱۴۸ قانون یادشده بیان می‌دارد: «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلفند بر اساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام کنند». با توجه به این ماده، نخست باید مشخص شود به چه دلیل، کارگاهی که مورث شاکی در آن کار می‌کرده، مشمول این قانون می‌شود؟ ثانیاً طبق کدام مواد قانون تأمین اجتماعی باید این اقدام صورت گیرد؟

به نظر می‌رسد «هرچند خلاصه‌گویی، امری نیکو و پسندیده است، ولی در مورد آرای مراجع قضایی، این موضوع نمی‌تواند صادق باشد؛ چرا که طرفین دعوا می‌خواهند بدانند و مجاب شوند که با چه استناد و استدلالی و به موجب کدام قانون و مقرره‌ای در دعوی مطروحه، حاکم یا محکوم می‌شوند. شایسته است که رأی مرجع قضایی، مستند و مستدل و در کمال شفافیت صادر شود»^۱.

۱. بهشتیان، سید محسن، «ابطال کلیه اقدامات و عملیات تملیکی سازمان مسکن و شهرسازی استان قزوین»، دوفصلنامه رویه قضایی شعب دیوان عدالت اداری، شماره ۱، ۱۳۹۳.

با توجه به ماده ۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، کارگاه، محلی است که کارگر به درخواست کارفرما یا نماینده او در آن جا کار می‌کند، از قبیل مؤسسات صنعتی، کشاورزی، معدنی، ساختمانی، ترابری، مسافربری، خدماتی، تجاری، تولیدی، اماکن عمومی و امثال آن‌ها. با توجه به این‌که مورث شاکی در کارگاه تولید کیف و کفش فعالیت می‌کرده است، پس این کارگاه مشمول قانون کار می‌شود. در پاسخ به سؤال دوم باید به ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ مراجعه کرد که بیان می‌دارد: «کارفرما، مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده به سازمان می‌باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا، سهم بیمه‌شده را کسر و سهم خود را بر آن افزوده به سازمان تأدیه کند».

مورد بعدی که در رأی به صورت اجمالی و بدون استناد قانونی از آن عبور شده، مسئله الزام سازمان تأمین اجتماعی به انجام تعهدات در قبال بیمه‌شده حتی در صورت حق بیمه توسط کارفرماست. قانون تأمین اجتماعی در ذیل ماده ۳۶ بیان می‌دارد: «در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه‌شده خودداری کند، شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود. تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن، رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه‌شده نخواهد بود».

موضوع دیگری که در بررسی ماهوی این رأی قابل ذکر است، استناد به آرای صادرشده از جانب دو مرجع اداری یعنی مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما و اداره کار و امور اجتماعی استان تهران است. به حکم این دو مرجع اداری استناد شده و پایه و اساس شکل‌گیری این رأی بوده است. درباره اعتبار و لازم‌الاجرا بودن مرجع حل اختلاف کارگر و کارفرما به رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هم استناد شده، اما بیان نشده است به موجب کدام ماده قانونی یا رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، چنین صلاحیتی به اداره کار و امور اجتماعی استان تهران داده شده است.

بند دهم. رأی شماره ۱۱۱۷ الی ۱۱۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۴ ابطال بند ۱ نامه شماره ۳۷۰/۹۲/۱۴۲۲۵

سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶

سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در چند مرحله، قیمت خودرو رانا را افزایش داد. شاکیان از این مصوبه نزد دیوان عدالت اداری شکایت کردند. به موجب تبصره ۱ بند (د) ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده است: «دولت مکلف

است ضوابط تعیین کالاهای اساسی انحصاری و خدمات عمومی و نیز فهرست و ضوابط تعیین قیمت این کالاها و خدمات را ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت بازرگانی، معاونت و وزارت خانه‌های ذی ربط به تصویب شورای اقتصاد برساند».

نظر به این حکم، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، صلاحیتی در صدور نامه شماره ۳۷۰/۹۲/۱۴۲۲۵. ۱۳۹۲/۳/۲۶ و اعلام این‌که قیمت خودروی رانا در سال ۱۳۹۱ چگونه از مشتریان اخذ شود، ندارد و از طرفی در مقرر مورد اعتراض به مصوبه شماره ۴/۲۱۹۶۰۴/ت/۴۸۸۰۲.ک ۱۳۹۱/۱۱/۹. هیئت وزیران استناد شده است که این مصوبه نیز به موجب نامه شماره ۷۸۵۷۵/ه.ب ۱۳۹۱/۱۲/۲۲. رئیس مجلس شورای اسلامی در اجرای قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی، مغایر قانون اعلام و ملغی‌الآثر شده است. بنابراین، استناد به مصوبه ملغی‌الآثر شده نیز مبنای قانونی ندارد و با توجه به مراتب، مقرر شماره ۳۷۰/۹۲/۱۴۲۲۵. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

در تحلیل این رأی می‌توان گفت طیف وسیعی از کشورها، نظم عمومی را مبنای حقوقی دخالت‌های اقتصادی در ترویج رقابت و انحصار می‌دانند و این نظم عمومی، یک نظام جامع می‌طلبد. پراکندگی قانونی در یک موضوع و صلاحیت‌های متنوع در حوزه رقابت سبب تشتت آرا و پیدایش رویه‌های ناهمسو و ضربه به رأی عادلانه مقام اداری خواهد شد. دیوان در خصوص این رأی با این‌که پس از تصویب قانون اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی بوده و این قیمت‌گذاری در صلاحیت قانونی شورای رقابت است، به صلاحیت شورای اقتصاد حکم داد.

گفتار ششم. ارائه راهبردهای حل مشکلات موجود برای تحقق امنیت اقتصادی

بدون شک، پیوند صحیح دادرسی اداری و اقتصاد می‌تواند به رشد اقتصادی اجتماعی دامن بزند و این مهم به تقویت امنیت اقتصادی می‌انجامد. در این زمینه، اصلاح ساختارهای اداری و ارائه راهبردها می‌تواند در تمامی شاخص‌های اقتصادی و در نتیجه، حمایت از امنیت اقتصادی در کشور بسیار کارگشا باشد. در این راستا، چند راهبرد را معرفی می‌کنیم:

۱. نظام دادرسی اداری زمانی می‌تواند نقش مؤثری در تحقق امنیت اقتصادی ایفا کند که از انسجام نهادی و رویکردی برخوردار باشد. پراکندگی نهادهای شبه قضایی با صلاحیت اقتصادی موجب تشتت در تصمیمات می‌شود و انسجام حقوقی را بر هم می‌زند. بسیاری از این نهادها فاقد تخصص لازم در حوزه اقتصاد بوده و توان تحلیل ابعاد اقتصادی پرونده‌ها را ندارند. همچنین آگاهی آنان از اصول بنیادین حقوق عمومی ضعیف است و این امر موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود. نهادهای یادشده گاه خارج از حدود صلاحیت خود عمل می‌کنند و موجب بی‌نظمی در نظام دادرسی می‌شوند. نبود هماهنگی میان رویه‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری، اعتبار حقوقی این نهادها را تضعیف می‌کند. برای غلبه بر این آسیب، لازم است نهادهای مذکور به صورت نظام‌مند ساماندهی شوند و به استانداردهای دادرسی اداری پایبند گردند. ارتقای استقلال علمی و عملی این نهادها یکی از راهبردهای ضروری برای تحقق امنیت اقتصادی است.

۲. در حال حاضر، با وجود نظر مثبت به اداری‌سازی ارزش‌های اقتصادی نظام حقوق عمومی، کارکردهای اقتصادی دیوان در هاله‌ای از ابهام و عدم صراحت‌های منابع قانونی قرار دارد. مقنن باید این صلاحیت را ارتقا دهد و برای دیوان، صلاحیت صریح به عنوان اداری‌سازی ارزش‌های اقتصادی تعریف کند.

۳. دیوان عدالت اداری، تصویری از آیین دادرسی اقتصادی ندارد و تنها رویه سنتی دیوان، رفتارشناسی شعب و هیئت عمومی را تشکیل می‌دهد. لازم است تا زیرساخت‌های تأسیس یک آیین دادرسی اقتصادی در قالب آیین‌نامه قانونی ایجاد گردد و مطالعه علمی و عملی در این خصوص در دیوان همه‌گیر شود.

۴. دادرسان اداری هم اکنون ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده‌اند و در قالب پیش‌گیرانه و بهداشت حقوقی، مشاوره‌هایی را به دستگاه‌های اجرایی می‌دهند. کمیسیون‌های تخصصی می‌توانند به ایجاد و تنقیح رویه دیوان دامن بزنند و همه ساله این رویه ثبت و به جامعه حقوقی ارائه شود. این رویه تثبیت شده می‌تواند در قالب گزارش‌های سالانه ارائه شود. هرچه بیش‌تر این رویه شکل‌پذیر و منعقد شود، برابری و حقوق و آزادی‌های شهروندی بیش‌تر تثبیت می‌شود.

۵. دیوان عدالت اداری بارها به صورت پراکنده از حق مالکیت در مقابل تحدیدات دستگاه‌های اجرایی دفاع کرده است. با این حال، نمی‌توان رویه جامعی را از دیوان در این مورد دید. مالکیت در

اقتصاد اسلامی و قانون اساسی مطلق و انحصاری نیست و دیوان باید مبنای تحدید مالکیت مشروع را تنقیح کند و سپس و به اداری سازی در رویه حقوقی خود بپردازد.

۶. دیوان صلاحیت کافی قانونی منبعث از قانون خود در خصوص دعاوی انحصار را داراست که هم مشمول صلاحیت رسیدگی شکلی و هم رسیدگی ماهوی در دیوان است. پس باید برای به فعلیت درآوردن آن، مراجع تخصصی در نظر گرفته شود و دعاوی مطرح شده نزد دیوان که به مسئله انحصار مرتبط است، در آن رسیدگی شود. در دادگاه‌های اداری اقتصادی کشور مصر، مدعی‌العموم این اجازه را به صورت خاص خواهد داشت تا به موضوع انحصار وارد شود و نزد دادگاه طرح دعوا کند.^۱

نتیجه‌گیری

هر روز بر حجم مداخله‌گرهای اقتصادی از نظر عدد، صلاحیت و عمق رویه‌های شبه حقوقی آن افزوده می‌شود. تنها راه تبدیل این شبکه پیچیده نهادی، نظام‌وار کردن آن از طریق دادرسی اداری است که در دو سطح می‌تواند رشد اجتماعی اقتصاد را دامن بزند: یکی در حوزه ترویج ارزش‌های اقتصادی نظام حقوقی و یکی هم قلب استانداردهای پیچیده نظریه‌های اقتصادی به ساختارهای حقوقی قابل عمل در حوزه اجتماعی. امنیت اقتصادی به عنوان شاهراه ارتقای اقتصاد در قلب مفهوم دادرسی اداری می‌تواند به این ارتقایاری برساند.

حقوق عمومی اقتصادی، عرصه نظارت و مداخله دولت است و دولت برای انجام این رسالت از ابزار مقررگذاری استفاده می‌کند. همین امر سبب گردیده است مداخلات دولت در این حوزه، موضوع نظارت قضایی قرار گیرد. بررسی رویه دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد ناظر قضایی، شکل‌گیری برخی اصول و قواعد کلی را در خلال رسیدگی به دعاوی این حوزه نشان می‌دهد که عملکرد این دستگاه بر شاخص‌های امنیت اقتصادی تأثیر مستقیم دارد.

از طرفی، شناسایی امنیت اقتصادی و الزامات مربوط به آن در دیوان عدالت اداری اتفاق نیافتاده است و با بررسی آرای آن مشخص شد که شاخص‌های امنیت اقتصادی به صورت موردی در دیوان عدالت اداری بررسی شده است. با بررسی آرا دریافتیم که رویه‌ای ثابت و هماهنگ برای بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی وجود ندارد.

۱. رفیعی، پیشین.

مسئله دیگر در بررسی آرای دیوان عدالت اداری، نقص در مستندات قانونی و استدلال‌های حقوقی، استناد نشدن به قانون مشخص و مواد مشخص قانونی است که همگی به صدور آرای اشتباه می‌انجامد. حتی اگر این کمبودها به صدور آرای اشتباه منجر نشود، باز هم پی‌آمدهای منفی دیگری دارد که مهم‌ترین آن‌ها، بی‌اعتمادی دستگاه‌های دولتی به درستی رأی و در نتیجه، تصویب مصوبه‌های جدید با محتوای مشابه مصوبه‌های ابطال شده پیشین است. با توجه به پی‌آمدهای اقتصادی این موضوع، اهمیت آرای دیوان مشخص می‌شود که در صورت درستی این آرا، امنیت اقتصادی کشور بهتر و آسان‌تر تأمین خواهد شد.

مشکل دیگر دیوان عدالت اداری، مسئله تفسیر از شاخص‌های امنیت اقتصادی است که نبود رویه‌ای یکسان در تفسیرهای این دیوان سبب‌ساز مشکلات فراوانی در این زمینه شده است. برای رفع این مشکلات باید به ایجاد نهادهای تخصصی اقتصادی در زیرمجموعه‌های دیوان عدالت اداری و استفاده از افراد خبره در این زمینه اندیشید.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. مؤذنی، روح‌الله، حقوق عمومی اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، تهران: مجد، ۱۳۹۳.

ب) مقاله

۱. بهشتیان، سید محسن، «ابطال کلیه اقدامات و عملیات تملیکی سازمان مسکن و شهرسازی استان قزوین»، دوفصلنامه رویه قضایی شعب دیوان عدالت اداری، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۲. بیدار، زهرا، «تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، نشریه حقوق دادگستری، شماره ۱۱۵، ۱۴۰۰.
۳. توسلی، زینب، «بررسی آرای دیوان عدالت اداری در رفع موانع تولید و صدور مجوزها»، فصل‌نامه حقوق بشر و شهروندی، شماره ۱، ۱۳۹۹.
۴. حکاکی، محمدرضا و محمدرضا سلامی، «تأثیر آرای دیوان عدالت اداری در جلوگیری از فساد اداری»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۲۱، ۱۴۰۰.
۵. رهبری، ابراهیم، «نقدی بر نحوه مداخله دیوان عدالت اداری در تصمیمات قطعی شورای رقابت»، فصل‌نامه رأی، دوره ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۶.
۶. زارعی، محمدحسین و ایام کمرخانی، «نقد آرای دیوان عدالت اداری در زمینه بحران‌های اقتصادی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۱، ۱۴۰۰.
۷. شفیعی، محمدصادق، «نقش دیوان عدالت اداری در اجرای سیاست‌های اقتصادی نظام»، پژوهش‌نامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۶.
۸. صادقی شاهدانی، مهدی، کامران ندری و وهاب قلیچ، «اثرات نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL (مطالعه موردی ایران)»، اقتصاد مقداری، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۸۸.
۹. صدرالحفاظی، سید نصرالله، «دیوان عدالت اداری و فلسفه تأسیس آن»، حقوقی دادگستری، شماره ۲، ۱۳۷۰.
۱۰. افلاح‌زاده، علی محمد، «جایگاه دیوان عدالت اداری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۶.

۱۱. کرمی، حامد، «بررسی دلایل اخراج کارگر از حیث نابسامانی اقتصادی کارفرما (نقد یکی از آرای دیوان عدالت اداری)»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ۱۳۹۹.

۱۲. میشل، تروپه، «منطق حاکم بر توجیه صیانت از قانون اساسی»، ترجمه: محمدرضا ویژه و عباس‌علی کدخدایی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، ۱۳۸۳. ۱۳. نوروزی، قدرت‌الله، «نقش دیوان عدالت اداری در توسعه و حمایت از حقوق بشر»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۵، ۱۳۸۹.

۱۴. ویژه، محمدرضا، «تأملی بر سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه راهبرد، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.

ج) پایان‌نامه

۱. ایرج، محسن، «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳.

۲. رفیعی علوی، سید احسان، «حق امنیت اقتصادی در حقوق عمومی؛ بررسی رویه شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.

2. Latin Source

1. Eric, Rauchway, **The Great Depression and the New Deal: A Very Short Introduction** New York: OUP, 2008.
2. Gagik HARUTYUNYAN, Angelika NUSSBERGER, Peter PACZOLAY, “**Study on Individual Access to Constitutional Justice**”, Council of Europe – EUROPEAN COMMISSION FOR DEMOCRACY THROUGH LAW Venice Commission, 2012.
3. Heale, M. J., Franklin D. Roosevelt, **The New Deal and War** London: Routledge, 1999.
4. Talapina, Elvira, **Contribution à la théorie du droit public économique par l'analyse comparative du droit français et du droit russe**, Université de la Réunion, Organisme de soutenance, École doctorale Lettres et sciences humaines, Droit économie gestion, Sciences politiques (Saint-Denis, La Réunion), Ecole doctorale associée à la these, 2011.
5. Xenophon Contiades, **Constitutions in the Global Financial Crisis**, A Comparative Analysis, London: Ashgate Pub, 2013.

Economic security in the light of the opinions of the Court of Administrative Justice

AmirHooshangh Dehghan¹

Ruhollah Rahimi²

Kourosh Ostovar Sangari³

Abstract

While economic interventionists are increasing every day in terms of quantity and competence, as well as the depth of quasi-legal procedures, the only method of transforming this complex institutional network into a systematic one is the administrative litigation that may promote social growth of economy at two levels: on the one hand in promoting the legal system's economic values, and on the other hand in transforming the complex economic theories into practical legal structures in the social sphere. As a pathway for economic advancement, economic security lies at the heart of the administrative litigation concept, which can help improve the current affairs state. The present descriptive and analytical research is aimed at realizing the effect of the rulings of the Administrative Court of Justice in supporting or threatening economic security indices and identifying any shortcomings in the Administrative Court of Justice's rulings before achieving economic security. The investigation of the Administrative Court of Justice's procedures as the judicial supervisory institution reveals the formulation of certain general principles and rules while handling cases in this field, examining that this institution's performance directly affects economic security indicators. This study concludes that issues like the absence of a consistent and integrated procedure for enhancing economic security indices, the absence of specialized economic entities within the Administrative Court of Justice's subordinates, and failure to involve experts in economic fields, besides the subjective nature of opinions have led the economic security to face potential threat in some of its rulings.

KeyWords: Economic Security, Administrative Court of Justice, Interpretation, Supervision.

1. public rights.Faculty of Law and Human Sciences.Islamic Azad university.shiraz.iran, (Corresponding Author), amir.deh@gmail.com

2. Assistant professor, public law department, faculty of law and political sciences, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran, rahimi.mehr48@yahoo.com

3. Faculty member of Shiraz Azad University, kourosh_ostovar_s@yahoo.com